



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The state of rhetoric and grammar in the Indian subcontinent according to the book Zavabet - Azimiyeh

T. Mirza Aghaei¹, A. Modarreszadeh^{*1}, F. Jafari²

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 05 August 2021

Reviewed: 07 September 2021

Revised: 21 September 2021

Accepted: 06 November 2021

KEYWORDS

Grammar, Rhetoric,
Zavabet Azimiyeh,
Mohammad Azim Qoraishi,
Indian subcontinent

*Corresponding Author

✉ drmodarreszadeh@yahoo.com

☎ (+98 31) 55540055

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: This article introduces and examines the content of the manuscript of the Great Criteria by Mohammad Azim Qureshi. "Azimiyeh Criteria" was written by Mohammad Azim Qureshi in 1130 (twelfth century AH), in vocabulary, rhetoric and grammar. The subject of this work is "Persian language in the subcontinent". This version is written in 414 pages, with annotations and spelling. Existing copies of this manuscript have been registered, one at the Noor Microfilm Center, the library of the Army Progress Association in New Delhi, and two copies in Pakistan, Karachi, Hamdard Collection, and Islamabad, Ganjbakhsh Collection, number 7872. This book is listed in the Guide to the Joint Index of Pakistani Manuscripts, vol. 13, p. This article introduces and examines the content of this collection and explains the issues in the version by citing evidence.

METHODOLOGY: The method of this research is descriptive-analytical using the library collection tool as a document research and content analysis data mining method. In this way, we have examined the corrected text of the manuscript of the great criteria, which is itself based on the method of intermediate correction, and we have analyzed its content, grammar and rhetoric.

FINDINGS: This text is a rich and useful educational book in the period in question, about Persian grammar, rhetoric and literary crafts, rhyme and prose, as well as other related sciences such as astronomy, logic, theology, etc. In this version, which the author has used all the relevant textbooks up to his period, he has not left out any points about the topics of discussion, and it seems that this book has been an educational book for teaching in schools.

CONCLUSION: The Persian language and its development during the rule of the Gurkhanids in India was the concern of writers and rulers, and the writing of this book and similar books and the preparation of subsequent manuscripts from it, proves the necessity of this education and expansion. Although this book belongs to about two centuries ago, but because it is an educational book, it is as easy to understand as possible.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.6536](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.6536)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 2	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

تأملی بر وضعیت بلاغت و دستور در شبه‌قاره هندوستان قرن دوازدهم با تکیه بر نسخه خطی ضوابط عظیمیه

طیبه میرزاآقایی^۱، عبدالرضا مدرس زاده^{۲*}، فرشته جعفری^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: این مقاله به معرفی و بررسی محتوایی نسخه خطی ضوابط عظیمیه اثر محمدعظیم قریشی میپردازد. «ضوابط عظیمیه» به سال ۱۱۳۰ (قرن دوازدهم ه.ق.) در فن لغت و بلاغت و دستور زبان، به دست محمدعظیم قریشی تألیف شده است. موضوع این اثر «زبان پارسی در منطقه شبه‌قاره» است. این نسخه در ۴۱۴ صفحه، با حاشیه‌نویسی و هامش‌نویسی همراه است. نسخه‌های موجود از این اثر خطی، یکی در مرکز میکروفیلم نور، کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی نو و دو نسخه در پاکستان، کراچی، مجموعه همدرد و اسلام‌آباد، مجموعه گنج‌بخش با شماره ۷۸۷۲ ثبت شده‌اند. این کتاب در راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ج ۱۳، ص ۲۷۱۰، در ذیل مجموعه‌های دانشگاهی بلاغی، لغت، عروض و قافیه و قواعد ادبی آمده است. این مقاله به معرفی و بررسی محتوای این مجموعه میپردازد و موضوعات مندرج در نسخه را با ذکر شواهد توضیح میدهد.

روش مطالعه: روش این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای بصورت سندپژوهی و روش داده‌کاوی تحلیل محتواست. به این صورت که متن تصحیح‌شده نسخه خطی ضوابط عظیمیه را، که خود بر مبنای شیوه تصحیح بینابینی است، بررسی کرده و به تحلیل محتوا و دستور و بلاغت آن پرداخته‌ایم.

یافته‌ها: این متن یک کتاب آموزشی پرمحتوا و مفید در دوره موردبحث، درخصوص دستور زبان فارسی، فنون بلاغت و صناعات ادبی، قافیه و عروض و نیز علوم مرتبط دیگر چون نجوم و منطق و کلام و ... است. در این نسخه، که مؤلف از تمام کتب آموزشی مرتبط تا دوره خود بهره برده، درباره موضوعات بحث، هیچ نکته‌ای را فروگذار نکرده است و بنظر میرسد این کتاب، کتاب آموزشی جهت تدریس در مدارس بوده است.

نتیجه‌گیری: زبان پارسی و گسترش و آموزش آن در دوره حکومت گورکانیان در هندوستان دغدغه ادیبان و حکمرانان محسوب میشده و نگارش این کتاب و کتب مشابه و تهیه نسخه‌های خطی بعدی از روی آن، ضرورت این تعلیم و گسترش را به اثبات میرساند. بااینکه این کتاب متعلق به حدود دو قرن پیش است، اما چون کتابی تعلیمی است تا حد امکان سهولت فهم در آن رعایت شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۶ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۳۰ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۵ آبان ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

ضوابط عظیمیه، محمدعظیم قریشی، دستور، بلاغت، شبه‌قاره

* نویسنده مسئول:

drmodarreszadeh@yahoo.com

۰۵۵۴۰۰۵۵ (۹۸ ۳۱)

مقدمه

باآنکه قرن یازدهم و دوازدهم هجری برای ادب و ادبیات فارسی دوران افول بنظر میرسد، اما در قلمرو هندوستان و به همت حکمرانان و دانشوران علاقمند به زبان و ادب پارسی، این گسترش قبل از سیطره و توسعه استعمار انگلستان رو به افزونی بود و این دوره را میتوان یکی از بهترین دوره‌های رواج و روایی زبان پارسی در شبه‌قاره و بطور کلی قاره آسیا دانست. باوجود این تعداد آثاری که از آن خطه به کتابخانه‌های ایران راه یافته‌اند، حتی در حوزه ادبیات فارسی محدود و انگشت‌شمار است. برای فارسی‌زبانان ساکن ایران ضرورت دارد که با این نسخه‌ها و دستنویسهای دیگری به زبان فارسی آشنا شوند، خصوصاً کتابهایی که منحصرأ در زبان، لغت و صنایع ادبی این زبان نگاشته شده‌اند.

این مقاله در نظر دارد به معرفی و بررسی محتوایی نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» از محمدعظیم قریشی از لغویان قرن دوازدهم هجری حوزه شبه‌قاره (۱۱۳۰ه.ق) بپردازد. این نسخه که ۴۱۴ صفحه دارد و به زبان فارسی و با خطی خوشخوان نگاشته شده، در حوزه علم بلاغت، لغت‌شناسی، دستور زبان و عروض و قافیه‌بنگارش درآمده است. ضوابط عظیمیه، که تاکنون به تصحیح درنیامده، از متون مهم در حوزه بلاغت در شبه‌قاره بشمار میرود و از آن در حال حاضر سه نسخه وجود دارد که تصویر دو نسخه در دسترس نگارنده قرار گرفته است. ما در این مقاله بر آن هستیم که یک نسخه ادبی و بلاغی از دوره مذکور را به ادبیات فارسی و فارسی‌زبانان معرفی کنیم. اهمیت این نسخه در آن است که بر نسخه‌های بلاغی مفصلی مثل «قوانین دستگیری» مقدم بوده و بگونه‌ای آغازگر اینگونه متون بشمار می‌آید.

ضرورت و سابقه پژوهش

متون فارسی و نیز آثار عربی علمای ایران در طول بیش از هزار سال در شبه‌قاره رواج گسترده داشته‌اند و بتبع آن پیشینه تحقیق و تصحیح متون و آثار مزبور نیز در آن سرزمین از صدها سال فراتر میرود. شبه‌قاره به دلایل گوناگون از جمله آشنایی تاریخی و زبانی، نسبت به نقاط دیگر برای ما آشناتر است. همین وضع به نسبت کمتری در جنوب شرقی آسیا مشهود است، چنانکه دیرینگی و پایداری زبان فارسی آثار بسیاری در آن برجا گذاشته است. وجود نسخه‌های خطی فراوان به زبان فارسی، نشان‌دهنده اهمیت این زبان در خطه‌ایست که در یک دوره هزارساله، مخصوصاً در دوره گورکانیان هند، ابزار مبادلات فکری و هنری بشری در آن دیار بوده است. وجود انواع دستور زبان فارسی و کتابهای مربوط به آیین دبیری نشان میدهد کسی که میخواست در دستگاه گورکانیان به دبیری بپردازد، البته نه بمعنای امروزی معلمی بلکه در معنای منشیگری سلاطین و امرا، ناچار بوده زبان فارسی را بیاموزد و نیز بیاموزاند.

نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» از آثار ارزشمند و بینظیر بجامانده از قرن دوازدهم هجری، یعنی همان دوره تسلط گورکانیان هند است. این اثر مجموعه‌ای از فرهنگ لغات عصر، اصطلاحات ادبی و نقد است و گوشه‌هایی خاص از علم لغت‌شناسی و کلمه‌شناسی پارسی و ارتباطات فرهنگی ایرانیان و هندیان در عصر گورکانیان هند را برای مخاطب آشکار میکند و یکی از علل اهمیت آن در این مطلب است که این کتاب به زبان پارسی و در زمانی نگاشته شده که زبان رسمی و دیوانی هند پارسی بوده است. از آنجاکه کتابخانه‌های حوزه شبه‌قاره از قرن دهم به بعد یکی از ذخائر نسخه‌های خطی قلمداد شده است، با مطالعه و تحقیق در آثار آن گنجینه و آثار ادبی و علمی و احیای آثارش میتوان نسخه‌های متروک را از خطر زوال و نابودی رها کرد. با توجه بضرورت شناخت آثار بجامانده در زمینه

فنون ادبی، که در حوزه کاربردی زبان فارسی پدید آمده، تصحیح متن و احیای این نسخه خطی و بررسی محتوایی آن ضروری بنظر میرسد.

درخصوص آثاری که در حدود قرن دهم و یازدهم در شبه‌قاره در موضوعاتی مشابه اثر حاضر نگاشته شده است، موارد زیر قابل ذکر است:

مقاله «دستور زبان فارسی از دیدگاه هندیان (با تکیه بر قصیده جوهرالترکیب)» از امید مجد که در فصلنامه مطالعات شبه‌قاره سیستان و بلوچستان چاپ شده است. در این مقاله بشرح و توضیح و تبیین نسخه خطی جوهرالترکیب، در قالب قصیده‌ای در هشتصدوسی بیت، نوشته منشی سیوارام در قرن سیزدهم، پرداخته شده است. اهمیت این مقاله در این است که نشان داده هندوها دستور زبان فارسی را چگونه میدیده‌اند و چگونه بکار میبردند. همچنین این کتاب نفوذ زبان عربی را در دست‌نویسی شبه‌قاره نشان میدهد.

«قوانین دستگیری» اثری گرانبها در زمینه دستور زبان فارسی و معانی بیان است که بصورت نسخه خطی باقی مانده است. این نسخه خطی متعلق به قرن سیزدهم و اوایل دوره قاجاریه است و به دست مولانا غلام دستگیر بمنظور آموزش دستور زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان شبه‌قاره هند نگاشته شده است. سبک نثر آن ویژگیهای خاصی دارد. طاهره میرزایی، علی میرزایی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک نثر قوانین دستگیری» به آن پرداخته‌اند. از آنجاکه این اثر در خارج از مرزهای ایران نگاشته شده است، سبک‌شناسی آن، موقعیت نثر فارسی دوره قاجار را در شبه‌قاره هند نشان میدهد.

کتاب دیگر تصحیح‌شده در محدوده شبه‌قاره، کتاب «طب اورنگشاهی» از آثار ناشناخته طب سنتی است. این کتاب در هندوستان تصنیف شده است. مصنف طب اورنگشاهی، درویش محمدحکیم امن‌آبادی از اطباء حاذق ایرانی است که به هند مهاجرت کرده و اثرش را به اورنگ‌زیب تقدیم نموده است. این کتاب در هفت باب و بیش از سیصد فصل اهم مبانی طبی و دارویی کهن را بررسی کرده است. مقاله بررسی این نسخه در سال ۱۳۹۶ توسط امیر جهادی بنگارش درآمده و در فصلنامه تاریخ پزشکی بچاپ رسیده است. این مقاله در دسته مقالات مروری قرار میگیرد.

فرهنگ «تحفه السعاده» و «شرح تحفه الاحرار» ملتانی از جمله نسخ خطی دیگر متعلق به شبه‌قاره هستند که در سالهای اخیر تصحیح شده و مقاله نیز از تصحیح آن مستخرج گشته است.

«هدیه‌الاخیر» یا «شرح تحفه الاحرار» اثر «محمدرضا ملتانی» فرزند «محمداکرم ملتانی»، از فارسی‌نویسان شبه‌قاره در قرن یازدهم، بدلیل دانش و اطلاعات سرشار و دقت فراوان شارح در فحص و بحث و بیان ظرایف لغت، دستور، معانی و بیان راهگشای محققان و دانشجویان در شرح دشواریهای «تحفه الاحرار جامی» خواهد بود. ملتانی نیز از خادمین اورنگ‌زیب بوده است که از خدمات دیوانی کناره گرفته و چند شرح مهم بر آثار پیشینیان ادب فارسی از جمله «مثنوی» مولوی، «یوسف‌وزلیخا» و «تحفه الاحرار» جامی و «اسکندرنامه» نظامی نگاشته است. این اثر بعلاوه جایگاه ادبی خاص خود در شرح و تفسیر دشواریهای یکی از آثار مهم حوزه عرفان و تصوف، در تبیین گستره زبان فارسی در پاکستان و هند نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله را محبوبه حانمی نوشته و در فصلنامه مطالعات شبه‌قاره بچاپ رسیده است. و اما درباره نسخه حاضر، در زمینه مورد پژوهش نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» که درباره معانی و بیان و لغت و بلاغت و فنون ادبی در شبه‌قاره است، در این منطقه کتاب دیگری موجود نیست و نسخه فوق‌الذکر تنها نسخه خطی تخصصی در این زمینه است، بنابراین میتوان گفت در این‌باره پیشینه‌ای موجود نیست.

روش مطالعه: روش این تحقیق از نوع تحلیلی با استفاده از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای بصورت سندپژوهی و روش داده‌کاوی تحلیل محتواست. به این صورت که متن تصحیح‌شده نسخه خطی ضوابط عظیمیه را، که خود برمبنای شیوه تصحیح بینابینی است، بررسی کرده، به تحلیل محتوا و موضوعات آن پرداخته‌ایم.

بحث و بررسی

معرفی نسخه‌ها

نسخه خطی «ضوابط عظیمیه» از آثار ارزشمند بجامانده از قرن دوازدهم هجری، یعنی دوره تسلط گورکانیان هند است. این اثر مجموعه‌ای از فرهنگ لغات عصر، اصطلاحات ادبی و نقد است و گوشه‌هایی خاص از علم لغت‌شناسی و کلمه‌شناسی پارسی و ارتباطات فرهنگی ایرانیان و هندیان در عصر گورکانیان هند را برای مخاطب آشکار میکند و یکی از علل اهمیت آن در این است که این کتاب به زبان پارسی و در زمانی نگاشته شده که زبان رسمی و دیوانی هند پارسی بوده است. کتابخانه‌های حوزه شبه‌قاره از قرن دهم به بعد یکی از ذخائر نسخه‌های خطی پارسی قلمداد شده است.

این اثر در سال ۱۰۹۶ شمسی و ۱۱۳۰ قمری نگاشته شده است، و با توجه به اینکه نسخه مورد بررسی ما تاریخ ۱۱۳۸ را بر خود دارد، نزدیکترین نسخه شناخته‌شده به زمان مؤلف بحساب می‌آید و چه بسا کتابت آن بدست خود مؤلف انجام پذیرفته باشد. این مجموعه کمیاب اثر شخصی بنام «محمدعظیم قریشی» است که از زندگینامه او چندان اطلاعی در دست نیست. نسخه‌های موجود از این اثر خطی یکی در مرکز میکروفیلم نور، کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی نو و دو نسخه در پاکستان، کراچی، مجموعه همدرد و اسلام‌آباد، مجموعه گنج‌بخش با شماره ۷۸۷۲ ثبت است. این کتاب در راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، ج ۱۳، ص ۲۷۱۰، در ذیل مجموعه‌های دانش‌های بلاغی، لغت، عروض و قافیه و قواعد ادبی آمده است. نسخه اساس این تصحیح نسخه کتابت‌شده به سال ۱۱۳۸ ق است که ظاهراً نزدیکترین نسخه کتابت‌شده به عهد مؤلف است و نسخه مقابله این تصحیح، نسخه اسلام‌آباد، گنج‌بخش به تاریخ کتابت ۱۲۳۹ ق، است.

دیباچه کتاب به نثر فنی آمیخته به شعر نگاشته شده است و مؤلف پس از حمد پروردگار به نعت رسول (ص) می‌پردازد و کتاب را اینچنین آغاز میکند: «حمدیتی که با احصای آن خرد بالغ رشد بعجز معترف گردد و شکر که فوق طاقت اندیشه معجزپیشه باشد مر صانع را سزد که چندین صور رنگارنگ و اشکال گوناگون بر الواح مسدس مرتسم گردانیده کلک صنع اوست و از عالم ناسوت تا ملکوت موظف به وظایف نیاز او، مقدری که به قدرت مطلق چون بامر کن بپرداخت در ساعت عالمی از کتم عدم سر به عرصه وجود برافراخت اگر از ازل تا ابد به شکرش دم زخم، حرفی از آن کتاب و پرتوی از آن آفتاب نه دریافته باشم. آری حرف توحید آن یگانه بر زبان آوردن باد به مشت پیمودن است. پس همان بهتر که کام ناکام از آن وادی لانتها بازآمده در نعت سیدالمرسلین خاتم‌النبین درآمده، طوطی طبع را به شکر تعریف و توصیف صاحب لولاک حلاوتی رسانم، یعنی آن حضرت رسالت علیه‌السلام اگر دلیل ما گمگشتگان نبودی، از تیه ضلالت و غوایت که برآوردی و بسا لذایذ روحانی که از نعمتهای قرب سبحانی به او رسیده به ما بیکسان که رسانیدی، شق القمر معجزه از معجزات اوست و فراخی دعوت تنگ؟ کراماتی از کرامات اوست. بیت: پی دیوار ایمان بود کارش / ولی شد چار روی از چار یارش».

پس از آن نگارنده بسبب نگارش کتاب دست زده و به کتی اشاره کرده که در نوشتن از آنان بهره و فایده برده است:

«بعد هذا مخفی نماند که بعضی از دوستان یکرنگ از قواعد فارسی بهره می‌جستند و بدون مطالعه کتابهای بسیار و سیر دراز حصول مرام محال متعذر مینمود. خصوصاً دانای رموز نهانی و مجموعه خوبی و قدردانی، میرمحمدحسین همدانی که با وجود کسب کمال فارسی و تحصیل علم عربی همیشه جویای این میبود که قواعد فارسی را بالکل به ضبط درآرد و کلّ امر مرهون باوقاته. وقتی به آن کس که به صیغه معلمی پسرش بحسب اتفاقات قسمت سالی چند مقرر بود، تکلیف در میان آورد که رساله ضوابط فارسی محتوی بر قواعد کلیه ضروریه و بعضی صنعتهای شعر که مبتدیان را فایده بخشد، مرتب میباید ساخت، لهذا مستمند حضرت کریم محمدعظیم قریشی، اما وی به موجب فرمایش میر مذکور که باعث تألیف این رساله است و در فهرست کتب مورد استفاده از کتابهای ذیل فرهنگ رشیدی تصنیف رشیدالدین و تاج‌المصادر و کشف‌اللغات و کشف‌المعانی و کنز‌اللغات و مدارالافاضل و حل‌اللغات و مهذب‌الاسماء و اجمال‌الحسنی و اصطلاحات‌الشعرا و فرهنگ سروری و ادات‌الفضلا و لوامع‌النجوم و اصطلاح‌شایگان و مهذب‌الافاضل و شمس‌العلوم و فرهنگ مولانای فخر قواس و تهذیب‌المصادر و فرهنگ علمی و فرهنگ سکندری و عجایب‌البلدان، ... قاموس و فرهنگ اسدی طوسی و فرهنگ شمس دبیر و مؤیدالافاضل و مؤیدالفواید و دستورالافاضل و فرهنگ ابوالمنصور و فرهنگ استادعبدالله و رساله تحفه‌الاحباب و فرهنگ جامع‌اللغات و فرهنگ حسین وفائی و فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهایی و رساله شیخ محمود و فرهنگ عاصمی و رساله علی‌بیک و فرهنگ فواید برهانی و رساله قاضی ظهیرالدین و رساله محمدبن قیس و فرهنگ مولانای اللهداد سپهرندی و رساله منصور شیرازی و فرهنگ میرزاابراهیم بن میرزااحسین اصفهانی و انیس‌الشعرا و شبستان نکات تألیف مناجاتی شیرازی و رساله دیگر که نام مصنف بنظر نه‌آمده و انتخاب نموده در یک جا فراهم آورد و هر قاعده را بطرق مناسب به محلّ خود و بر هفت مقدمه، فصل مقرر ساخته، در سال سنه ۱۱۳۸ هجری یکهزار و یکصدوسی‌وهشت هجری، مطابق سن، هشت از جلوس میمنت مأنوس محمدشاه باو شاه غازی خلدالله ملکه و سلطنته نسخه علحده ترتیب داد. چون از نسخه‌های دیگر دوچند فراهم آمده بود، بنابراین به ضوابط عظیمیه موسوم گشت. امید از مطالعه کنندگان این نسخه آن است که چون از مطالعه و ملاحظه، خوشی خاطر و تشفی باطن حاصل آید، مؤلف رساله را و آنکه باعث تألیف بر این شده، به ذکر خیر یاد فرمایند که این هر دو را بجز یادگاری توقع مزد و منت نیست.»

سپس نگارنده درباره ترتیب فصول کتاب و سال نگارش کتاب و پادشاه زمان خویش سخن گفته است: «هر قاعده را بطرق مناسب به محل خود بر هفت مقدمه فصل مقرر ساخته و در سال سنه ۱۱۳۸ هجری یکهزار و یکصدوسی‌وهشت هجری مطابق سنه هشت از جلوس میمنت مأنوس محمدشاه پادشاه غازی خلدالله ملکه و سلطنته نسخه علیحده ترتیب داد. چون از نسخه‌های دیگر دوچند فراهم آمده بود، بنابراین به ضوابط عظیمیه موسوم گشت.»

و سپس وارد متن اصلی شده است: «مقدمه اول در تعداد حروف تهجی از مفردات و مرکبات...» محمدعظیم قریشی این کتاب را به خواهش میرمحمدحسین همدانی و درباب «قواعد کلیه ضروریه و بعضی صنعتهای شعر که مبتدیان را فایده بخشد» بنگارش درآورده است. بنظر میرسد منظور وی از قواعد کلیه ضروریه، با توجه به نام کتاب (ضوابط عظیمیه) و نیز با توجه به منابعی که در آغاز کتاب ذکر کرده و در بالا آمد، لغت (زبان‌شناسی) و قواعد دستور زبان و نگارش فارسی و فنون بلاغت و صناعات ادبی و قافیه و عروض است.

همانطور که ملاحظه میشود، در این کتاب نویسنده حدود شصت منبع تخصصی پیرامون موضوع را مطالعه نموده و درواقع کتاب وی جامع منابع گذشتگان خود است. در دیباچه تاریخ نگارش کتاب یکهزار و یکصدوسی‌وهشت،

برابر پادشاهی محمدشاه آمده است. نویسنده این کتاب را بنام ضوابط عظیمیه (نه اعظم) در چندین فصل (در تعداد حروف تهجی از مفردات و مرکبات مشتمل بر سه فصل، نزد علمای عرب و عجم، اقسام کلمه، قواعد کلمه و فواید جلیله در پنجاه‌وسه قاعده که دستور زبان فارسی است و ...) نوشته است. فصلهای این نسخه به این قرار است: فصل در بیان حاجت به علم عروض، فصل در بیان اجزاء و میزان، فصل در بیان ارکان اصلی و عارضی بحور، فصل در بیان قوافی، فصل در بیان انواع شعر، فصل در بیان صنایع شعری، دقایق سخنوری. فصل در مهمات.

فصل اول در تعداد حروف تهجی و معانی آن:

حروف و کلمات: در این فصل همانگونه که از نام آن برمی‌آید، نویسنده از حروف الفبا شروع کرده و پس از پرداختن به معانی حروف و عدد ابجد آن، تقسیماتی بر مبنای صدادار بودن یا نبودن، روان بودن یا سختی تلفظ، خاتمه آن انجام داده و مثالهایی از اشعار گذشتگان برای توضیح و تدقیق بیشتر آورده است: «مسروری بنا بران میگویند که در خواندن آن عقد زبان نمیشود و آن دوازده حرف است: با تا تا حا را زا طا ظا فا ها یا. قسم دوم را ملفوظی گویند و ملفوظی سه حرفی بود که آخرش از قسم اول نباشد و آن سیزده ۱۳ حرف است (ص ۱ تا ۱۲ نسخه)».

چنانچه مولانای شرف‌الدین یزدی به قید نظم آورده.

نظم: هشت حرفست آنکه اندر فارسی ناید همی / تا نیاموزی نباشی اندرین معنی معاف

بشنو از من تا کدام است آن حرفها را یاد گیر / تا و حا و صاد و ضاد و طا و ظا و عین و قاف

همچنین نویسنده توضیحاتی درباره ریشه‌های زبان و مکان برآمدن آن داده است:

«کلام عرب مبنی بر بیست‌وهشت حرف و زبان فارسی مبنی بر بیست‌وچهار حرف باشد. (و) زبان پارسی که به پارس پسر پهلوی سام‌بن نوح نبی منسوب است، هفت گونه است: یکی پارسی صرف در بلاد پارس که استخر دارالملک آن بود و مردم بدان سخن کنند. دوم پهلوی که مردم ری و اسپهان و همدان و نهاوند و مضافات آن تکلم نمایند و این منسوب به پهلوی است؛ یعنی به شهر پهلوی چه در اول شهرها در همان مرزبوم بود. سیوم دری که در درهای کوه و روستا بدان سخن کنند... لهذا فصیح خوانند و دری زبانی است که در لغت وی نقصان نبود...، سه زبان دیگر که سگزی و زاوی و سغدی باشد متروک و مطروح است» (ص ۱۶ نسخه).

پس از آن برای معانی حروف تقسیم‌بندی‌هایی آورده است:

«الف: الفرد من الرجال یعنی مرد فرد بصورت الف و به حساب جمل یک را گویند، ده معنی دارد... و شعرهایی بعنوان نمونه تأیید سخن خود آورده است» (ص ۱۸ نسخه).

یا به اینصورت، حروفی را که بعدها وارد زبان فارسی دری شدند را ریشه‌یابی نموده، و اصل و معنای برخی کلمات آمده به آن لفظ را نیز ذکر نموده است: «ثاء مثلثه در فارسی نیامده است. أغزیرث که نام برادر افراسیاب بود، ترکی است و طهمورث لفظ عربی است و در کتاب فارسی آورده که گیومرت به کاف فارسی و تایی قرشت است و معنی این هر دو لفظ که با هم ترکیب یافته، چنین است که گیو به کاف فارسی بمعنی گویا و مُرت بمعنی زنده است؛ پس معنی آن بعد ترکیب هر دو زنده گویا باشد» (ص ۲۳ نسخه).

دستور: برخی از توضیحات این کتاب اگرچه در فصل حروف آورده شده‌اند، اما در زبان امروز در زیرگروه دستورزبان می‌گنجد، مثلاً توضیحات آورده شده درباره حروف اضافه همچون به، چه، که و ...؛ مثلاً درباره یکی از انواع «چه»

در نسخه چنین آمده است: «برای استفسار و استطلاع حقیقت. شاعری گفته مصرعه: چه کردی ببین تا جهان یافتی؛ یعنی بر ما ظاهر کن و ببین آن چیزی را که از آن جهان گرفتی» (ص ۲۵ نسخه). درباره انواع یای دستوری در متن نسخه چنین آمده است:

«آوردن یا یعنی نامعلوم و این یا را در آخر چیزی درآرند که آن چیز معلوم نشده باشد و فایده وحدت نیز دهد و ماقبلش کسره خالص نباشد، چنانچه حضرت سعدی فرماید: خردمندمردی در اقصای شام / گرفت از جهان کنج غاری مقام؛ یعنی یک مرد نامعلوم چون اضافه کنند یا موصوف سازند، درین هر دو صورت یا را قطع گردانند؛ چنانچه دراضافت گویی غلام تو و اسپ تو و در موصوف گویی مرد رونده و اسپ دونده؛ چه نوشتن یا درین هر دو محل بی‌املاست» (ص ۵۰ نسخه).

توضیح آوردن پسوند و پیشوندهای دستوری نیز در فصل حروف قرار گرفته، مثلاً در توضیح یای استمراری گفته است:

«همه سال شهزاده تیزهوش / بجز علم را ره ندادی بگوش»

ی در معنای می استمرار، یعنی راه نمیداد (ص ۸۰ نسخه).

همچنین است بررسی پیشوندها و پسوندها که با دقت هر چه تمامتر در این متن آمده است، مثلاً:

آسا/ مانند شیرآسا و مردآسا؛ وار چون خواجه‌وار و بزرگوار؛ سان/ مانند شیرسان و پلنگ‌سان؛ پیش، فش، وش/ چنانکه سیه‌پش و شاه‌فش، ماه‌وش و ان/ چون پلوان یعنی کناره‌های زراعت که مانند پل بلند شود، امیرخسرو گوید:

عجب نبود گرانبار ار فرولغزد به آب و گل / که بختی لوک گردد چون گذر باشد به پلوانش (ص ۶۰ نسخه)

در بیان حروف و کلماتی که در آخر اسما و افعال بجهت افاده معنی گوناگون درآرند و بدون ترکیب افادت معنی نکند؛ کلماتی که افاده معنی خداوندی کند، مثلاً «مند» چنانچه خردمند و دانشمند و مستمند، یعنی صاحب مست به معنی گله و غم باشد و کار مانند خدمتکار و ستمکار و امرزکار و سازکار، و با واو مفتوح مثلاً تاجور و هنرور و گاهی این واو را بجهت تخفیف ساکن کنند؛ گویند گنجور صاحب گنج و دستور صاحب مسند و رنجور صاحب رنج، کلماتی که افاده معنی انبوهی و بسیاری دهد، مثل لاخ چون سنگ‌لاخ و دیولاخ و رودلاخ، یعنی جای بسیارسنگ و جای بسیاردیو (ص ۵۷ نسخه).

بسیاررود و استعمال این کلمه غیر از سه جا بنظر نیامده است؛ سنگ‌لاخ و دیولاخ در شعر و غیره بسیار دیده شد. فاما رودلاخ بغیر از جاماسپ‌نامه در جای دیگر بنظر نیامده و جاماسپ نام حکیمی است که وزیر گشتاسپ‌شاه بود و جاماسپ‌نامه از تصنیفات اوست و او را جاماس نیز گویند. «سار» چون شاخسار و نمکسار و کوهسار و خاکسار و سنگسار؛ جای بسیارسنگ و «زار» مانند گلزار و لاله‌زار و سبزه‌زار و نمکزار؛ «بار» مثل دریابار و هندبار؛ «ستان» چون گلستان و بوستان و سنگستان و ریگستان.

و گاهی این حرف را بمعنی مطلق جای نیز استعمال کنند، چون شبستان یعنی محل و خانه که جای شب گذرانیدن است و ادبستان یعنی که جای ادب است. کلماتی که معنی شبه و مانند نمایند و پس با یای مجهول چنانچه خانه‌دیس و فرخاردیس، یعنی مانند بهشت. فرخی گوید:

یکی خانه کرده ست فرخاردیس / که بفروزد از دیدن آن روان

همچنین برنج‌دیس و حوردیس، سعدی فرماید:

بیت: چه قدر آورد بنده حوردیس / که زیر قبا دارد اندام پیس

وش بواو مفتوح و سین مهمله: چون فرشته‌وش (ص ۵۸ نسخه).

در این نسخه در مبحث دستور تمامی افعال و اشکال آن بصورت کامل بررسی شده‌اند، همچنین زمانها و وجه‌های مختلف فعلها آمده است.

بلاغت: درباره بلاغت نیز در این نسخه نکات نغز بسیاری آمده است:

فصل در بیان صنایع شعری، فصل در سخنوری، فصل در مهمات: در انواع شعر

درباره انواع قالبهای شعری، انواع قافیه، الفاظ مربوط به آنها، انواع حشو، و نیز انواع صنایع شعری چون تعلیق، ردالصدر الی العجز و ... مدح و هجاء، هجو و مدح و ذم و ...، صنعت خیال، لطیفه، ضرب‌المثل، تشبیه و کنایه و مجاز، و مبالغه و غلو و اغراق و جمع و تفریق و مسلسل و ... و نیز صنایعی چون بدیع‌المخترع:

«بدیع‌المخترع آن است که معانی و لطایف تازه برانگیزد و تشبیهات و صنایع نو ایجاد نماید؛ مثال شعر: فلک جمال تو را وزن کرد جامه خویش / به پله‌ای که تو بودی سبک گران آمد / اگر نبود گران سوی تو بگوی چرا / تو بر زمینی و ماهش بر آسمان آمد» (ص ۹۵ نسخه).

توجیه‌الواقع: «که در خارج شایع ظاهر و مرسوم بود، حالتی را توجیه کند به طریقی که خوشایند و فرح‌افزا گردد. مثال ابیات:

رسید سبزه تماشا کنی پس از سالی / به عرصه و به چمن راه جویبار گرفت /

دوید آب بغلطید سبزه را نه پای / بخاست سبزه و آن آب را کنار گرفت» (همانجا).

استبتاع: «صنعت استبتاع چنانست که ممدوح را بر وجهی مدح کند که از آن مدعای دیگر برمی‌آید؛ مثال

بیت: دولتت اندر سخا ابریست کاندرا سایه‌اش / عالم از گرما چو فتنه جمله در آسایش است

دولت ممدوح را تشبیه کرده به ابری که صفتش چنین است و درین معنی مدعای دیگر می‌خرد که سبب قلع و قمع ظالم است و پناه عالم» (ص ۹۶ نسخه).

محتمل‌الضدین: محتمل‌الضدین که سیاق ترکیب هم به مدح کشد و هم به ذم مثل، شعر:

«امروز تو حاکمی و از تو نومید امیدوار گردد» (ص ۹۷ نسخه).

آوردن ابیات بسیار زیاد در گونه معما و چیستان از ویژگیهای دیگر این نسخه خطی است. نگارنده اسامی و ابیات را قید و سپس بشرح آنها پرداخته است:

«ز یعقوب گر بشکنی پاشنه / نهی زیر پایش ولی پاش نه

از لفظ یعقوب عقب که بمعنی پاشنه باشد، دور کند یو باقی ماند و از سفرجل که ترادف بهی باشد، رجل که عبارت از پای بود، جدا سازند، سف حاصل شود، چون یکجا کردند، یوسف برآید» (ص ۱۱۱ نسخه).

همچنین علاقه بسیار نویسنده به ماده تاریخ در متن مشهود بوده و مثالهای فراوان دارد.

عروض و قافیه: نویسنده در ابتدا فصولی را در بیان حاجت به علم عروض، بیان ارکان شعر و میزان، بیان ارکان اصلی و فرعی بحر عروضی و بیان قوافی آورده و سپس مثالها و موارد مربوط به آن را آورده، و سپس در انتهای کتاب بصورت مفصلتر موارد مربوط را شرح داده و نکاتی را نیز به آن افزوده است، نکات افزوده شده در انتهای کتاب عبارتند از: در علم قوافی و آن مشتمل است بر یک مقدمه و ده باب و خاتمه، مقدمه در بیان واضع علم قوافی و تعریف این علم و موضوع و عرض آن، باب اول در بیان روی، دوم در بیان ردف، باب سیوم در بیان قید، باب چهارم در بیان تأسیس، باب پنجم در بیان دخیل، باب ششم در بیان وصل، باب هفتم در بیان خروج، باب هشتم در بیان مزید، باب نهم در بیان نایره، باب دهم در بیان حاجب و ردیف؛ و خاتمه در بیان اقسام شعر.

مثلاً در باب خاتمه قافیه در نسخه به این شکل آمده است: «خاتمه قافیه، دانسته باش که متصدیان شعر قافیۀ معمول را مستحسن شمارند و قافیۀ معمول آنست بواسطۀ تصرفی قافیه تواند شد؛ مانند تحلیل که جدا کردن و گشادن کلمه است و یا ترکیب که فراهم آوردن و یک لفظ ساختن دو کلمه است...» (ص ۱۴۹ نسخه).
یا در بحث حاجب و ردیف اینگونه آورده است: «بدان که حاجب عبارتست از کلمه یا بیشتر که مستقل باشد در تلفظ یا در حکم مستقل، به شرط آنکه تکرارش به یک معنی مستکره نباشد، در کلمات قافیه و با ردیف مساوی باشد، لیک ردیف بعد از آن قافیه دیگر نباشد، مانند لفظ «داری» درین رباعی امیرمعزی که در مدح سلطان سنجر بن ملک‌شاه سلجوقی گفته، رباعی:

ای شاه جهان بر آسمان داری تخت / سست است عدو تا تو کمان داری سخت /
حمله سبک آری و گران داری تخت / پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت.

یا در بخش عروض و انواع آن بحث مفصلی از اوزان عروضی، شرح و زحافات عروضی به خواننده عرضه میدارد: «در رکنی که خرب درو واقع است، آن را اخبز گویند و برین قیاس و اسم آن رکن که تغیر درو واقع است یا بر صیغۀ اسم مفعول باشد، همچون مستبغ و مقبوض یا بر وزن افعال همچو اشتر و اخبز بحر هزج مثنی مقبوض مسبغ. مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن؛ دو بار مثالش؛

بیت: پری ندارد ای صنم بهروشنی چنین جبین / بشر بود ازین بشر که به بود ز حور عین...» (ص ۱۷۲ نسخه).
سایر: در انتهای نسخه، پس از بحث بلاغت، درباره علوم دیگر مانند علم حواس، در بیان خطوط جام، در بیان علم نجوم و افلاک، طبایع، تقسیم‌بندی عوالم و عقول و نفوس و فضایل انسانی، در قوا، علوم، عناصر اربعه ... و کلام و منطق آمده است. مانند:

«عطارد، فلک سیوم زهره، فلک چهارم آفتاب، فلک پنجم مریخ، فلک ششم مشتری، فلک هفتم زحل، فلک هشتم بروج است که جمیع ثوابت در اویند. فلک نهم فلک‌الافلاک (است) که محیط است به جمیع افلاک. فلک اعظم و فلک اطلس نیز او را گویند. فایده بدانکه همگی دوازده بروجند و هفت ستاره را مکناند، بدین طریق حمل و عقرب با بهرام است که او را مریخ نامند و قوس و حوت مکان مشتری و ثور و میزان خانه زهره، جدی و دلو مقام زحل، جوزا و سنبله عطارد است و سرطان مقام ماه و اسد خانه آفتاب است» (ص ۱۰۴ نسخه).
«مقدمۀ رابعه در اصطلاحات علوم به قدر ضرورت، مشتمل بر چند فصل. فصل اول در بیان بعضی فواید حواس عشره. باصره کار او ادراک محسوسات بصریست. شامه کار او ادراک بویهاست. سامعه کار او شنیدن آوازه‌است. ذایقه کار او ادراک لذت شیرین و تلخ» (ص ۱۰۲ نسخه).

نتیجه‌گیری

«ضوابط عظیمیه» به سال ۱۱۳۰ (قرن دوازدهم ه.ق)، در فن لغت و بلاغت و دستور زبان و قافیه و عروض و علوم و فنون مرتبط، بدست محمدعظیم قریشی تألیف شده است. موضوع این اثر «زبان پارسی در منطقۀ شبه‌قاره» است. این اثر مجموعه‌ای از فرهنگ لغات عصر، اصطلاحات ادبی و نقد است و گوشه‌هایی خاص از علم لغت‌شناسی و کلمه‌شناسی پارسی و ارتباطات فرهنگی ایرانیان و هندیان در عصر گورکانیان هند را برای مخاطب آشکار میکند و یکی از علل اهمیت آن در این مطلب است که این کتاب به زبان پارسی و در زمانی نگاشته شده که زبان رسمی و دیوانی هند پارسی بوده است. با بررسی و تصحیح این اثر میتوان به این نتیجه رسید که زبان پارسی و گسترش و آموزش آن در دوره حکومت گورکانیان در هندوستان دغدغۀ ادیبان و لغویون محسوب میشده است و نگارش

این کتاب و کتب مشابه و تهیه نسخه‌های خطی بعدی از روی آن ضرورت این تعلیم و گسترش را به اثبات میرساند.

دیباچه این کتاب به نثر فنی آمیخته به شعر نگاشته شده است و مؤلف پس از حمد پروردگار به نعت رسول (ص) پرداخته و سپس بشیوه یک کتاب تعلیمی از مقدمات کار یعنی تعداد حروف الفبای پارسی آغاز مینماید و سپس به مباحث دستور زبان، انواع حروف و کلمات، معانی آنها، عروض و قافیه، بحور و اوزان شعری، بلاغت و صنایع ادبی، خط و کاغذشناسی، قواعد علم منطق و نجوم میپردازد. درباره خصوصیات نحوی نیز باید گفت که چون کتاب متعلق به حدود سه قرن پیش است، مقایسه نحو آن با شیوه و دستور امروزی کمی دشوار است، گو اینکه چون کتاب تعلیمی است تا حد امکان سهولت فهم در آن رعایت شده است. این متن از برخی ویژگیهای نحوی عربی نیز بهره برده است که در زبان فارسی امروز کاربرد کمتر و مختصرتری دارند. آوردن حروف ابجد و توجه به علم‌الاعداد نیز از ویژگیهای برجسته این کتاب بشمار میرود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان استخراج شده است. آقای دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم طیبه میرزاآقایی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر فرشته جعفری به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله، حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Manuscript of Noor Microfilm Center, Library of the Army Advancement Association in New Delhi.
Two copies in Pakistan, Karachi, Hamdard collection and Islamabad, Ganjbakhsh collection with number 7872.

فهرست منابع فارسی

نسخه خطی مرکز میکروفیلم نور، کتابخانه انجمن ترقی اردو در دهلی نو.
دو نسخه در پاکستان، کراچی، مجموعه همدرد و اسلام‌آباد، مجموعه گنج‌بخش با شماره ۷۸۷۲.

معرفی نویسندگان

طیبه میرزاآقایی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

(Email: mirzaaghahi.t@gmail.com)

عبدالرضا مدرس زاده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

(Email: drmodarreszadeh@yahoo.com (نویسنده مسئول))

فرشته جعفری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

(Email: Fereshte.jafari.v@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Tayyebeh Mirzaghahi: Ph.D. student of Persian language and literature group, Faculty of Humanities, Kashan Unit, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: mirzaaghahi.t@gmail.com)

Abdolreza Madarreszadeh: Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Kashan Unit, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: drmodarreszadeh@yahoo.com : Responsible author)

Fereshteh Jafari: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.

(Email: Fereshte.jafari.v@gmail.com)